

تحلیل زمینه‌های جامعه‌شناختی تحول گفتمان عدالت در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی

رحیم زایر کعبه^{۱*}

فردین قریشی^۲

محمدباقر علیزاده اقدم^۳

چکیده

یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی ایران دستیابی به عدالت بوده است؛ اما دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص مفهوم عدالت و تحقق عملی آن، گفتمان‌های مختلفی را شکل داده‌اند. به این معنی که هر دولتی که روی کار آمده، گفتمان خاصی از عدالت را پدید آورده که متفاوت از گفتمان عدالت در دولت‌های قبلی بوده است. به عبارتی با تغییر دولت‌ها، گفتمان عدالت نیز دچار تغییر و تحول شده است. اما باید دانست که تحول گفتمان‌های عدالت در خلاء رخ نمی‌دهد؛ بلکه این تحولات، ریشه در زمینه‌های اجتماعی دارد. بنابراین در این مقاله، گفتمان عدالت در سه دولت آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی بررسی شده و این سوال مهم مطرح می‌شود که: کدام زمینه‌های اجتماعی موجب تحول گفتمان عدالت در دولت‌های مذکور شده است؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه‌ای طرح می‌شود که حاوی دو متغیر اصلی «ساختار جامعه توده‌ای» و «ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت» می‌باشد. دو متغیر اصلی با متغیرهای فرعی مورد سنجش قرار می‌گیرند. به این صورت که متغیر جامعه توده‌ای بر اساس دو متغیر فرعی «طرز و برجسته‌سازی» و «دسترسی» و متغیر ناکارآمدی دولت‌ها نیز بر اساس سه متغیر فرعی «ناکارآمدی عدالت در حوزه‌های سه‌گانه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی» مورد سنجش قرار می‌گیرند. برای بررسی فرضیه، ابتدا عناصر گفتمان عدالت در هر یک از دولت‌ها با استفاده از روش تحلیل گفتمان مورد تحلیل قرار می‌گیرند. سپس اطلاعات به دست آمده در مورد متغیرهای فرضیه با استفاده از روش جامعه‌شناسی تاریخی قیاسی به صورت موردی در خصوص هر یک از دولت‌های مذکور، تحلیل می‌شوند. نتایج حاصله، حاکی از اعتبار قابل قبول فرضیه فوق‌الذکر می‌باشد.

واژگان کلیدی: «عدالت»، «گفتمان»، «خاتمی»، «احمدی‌نژاد»، «روحانی»

بیان مسأله

یکی از شعارها و اصول انقلاب اسلامی ایران تحقق اصل عدالت در بین مردم بود. گفتمان عدالت در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، تحولات گوناگونی تجربه کرده است. اما هیچ یک از این گفتمان‌ها نتوانسته به صورت پایدار و مداوم استقرار یافته و در دولت‌های بعدی تکرار گردد. به عبارت ساده‌تر گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران، فاقد ثبات نسبی بوده و با روی کار آمدن هر دولت جدید، گفتمانی تازه و آزمون نشده، مطرح و استقرار می‌یابد. سپس بعد از مدتی گفتمان حاکم، هژمونی خود را از دست داده، به افول می‌گراید. در واکنش به ناکارآمدی گفتمان حاکم و در غیریت‌سازی با آن، گفتمان جدیدی، خود را برجسته نموده، مورد پذیرش توده مردم قرار می‌گیرد. اما بعد از مدتی، آن گفتمان نیز به سرنوشت گفتمان قبلی دچار گردیده، طرد می‌گردد. به این ترتیب تحول گفتمان عدالت در دولت‌ها تکرار می‌گردد. به عنوان نمونه در گفتمان سازندگی، عدالت سیاسی تا حدودی مغفول انگاشته شد؛ در واکنش به آن، گفتمان اصلاح‌طلبی به عدالت سیاسی پرداخته و در عوض چندان اهمیتی به عدالت اقتصادی نداد. همین روند باعث شد تا گفتمان عدالت‌محور با برجسته کردن عدالت اقتصادی و مسایل معیشتی، هژمونی یابد. بنابراین تاکید بیش از حد یک گفتمان بر یک نشانه مرکزی موجب می‌شود، گفتمان رقیب در غیریت‌سازی با آن، نشانه جایگزینی مطرح کند و به این ترتیب سایر نشانه‌های مفصل‌بندی شده گفتمان حاکم را از هم بگسلد. اما تاکید گفتمان‌ها بر یک نشانه مرکزی فارغ از تاثیرات و زمینه‌های اجتماعی نیست. چرا که تحولات گفتمانی در خلاف ظهور نمی‌کنند؛ بلکه پیدایش و تحول آنها محصول زمینه‌های جامعه‌شناختی و شرایط خاص اجتماعی است. اکنون، مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخ این سوال اساسی است که: «کدام زمینه‌های اجتماعی موجب تحول گفتمان عدالت در دولت‌های آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی شده است؟»^۱

۱. پیشینه پژوهش

کارهای پژوهشی که درباره گفتمان عدالت در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته بر محور توصیف موردی آنها بوده است و در رابطه با علل تحول مداوم گفتمان عدالت در دولت‌های مذکور، پژوهشی صورت نگرفته است. چنانکه خواجه‌سروی (۱۳۸۷) در مقاله «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران» معتقد است که مفهوم «شیعی» عدالت ضمن حفظ

۱. این مقاله، مستخرج از رساله دکترای رحیم زایرکعبه بوده که در آن، تحول گفتمان عدالت در همه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته، اما در این مقاله به علت محدودیت صفحات فصلنامه ناچاراً سه دولت اخیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

اصالت خود، بر اساس اقتضائات هر دولتی با تقریرهای تازه‌ای در حوزه عملی مواجه شده است. در دولت بازرگان، دولت حداقلی، ضرورتی برای تحقق عدالت دانسته شد. اما دولت رجایی که در شرایط جنگ ایران و عراق قرار داشت، عدالت را در مبارزه با دشمن تفسیر کرد و نوعی برابری طلبی را در سیاست‌های خود در پیش گرفت. دولت موسوی، عدالت اجتماعی و دغدغه مستضعفان را به عنوان اصلی‌ترین مصادیق عدالت شیعی معرفی کرد. دولت هاشمی رفسنجانی نیز به توسعه به مثابه اصلی‌ترین ضرورت تحقق عدالت نظر داشت. دولت خاتمی عدالت را در حاشیه دغدغه اصلی‌تری به نام توسعه سیاسی جستجو می‌کرد. سرانجام در دولت احمدی‌نژاد مفهوم عدالت بر مدار شریعت اسلام بار دیگر از بازتعریفی انقلابی و مکتبی برخوردار شد. در نقد این کار پژوهشی باید گفت که نویسنده آن با رویکردی جانبدارانه و ایدئولوژیک به بررسی گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و در نهایت نیز به گفتمان عدالت‌محور احمدی‌نژاد، اهمیتی ویژه بخشیده است.

بهرزولک و ضابط‌پورکاری (۱۳۹۱) در مقاله «چالش‌های نظری عدالت در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران» این پرسش را مطرح می‌سازند که چالش‌های مهم نظری در باب عدالت در گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران چیست؟ پژوهش با استفاده از روش تحلیلی، خطوط فکری مفصل‌بندی شده گفتمان‌های مذکور را توصیف کرده و سپس با ارزیابی انتقادی، چالش‌های مهم را چنین می‌شمارد: الف) فقدان نظریه‌ای جامع و مورد اجماع درباره عدالت اسلامی بین دولت‌مردان؛ ب) نگاه سطحی و توأم با افراط و تفریط به عدالت؛ ج) بی‌قراری، گسست و عدم تداوم عدالت در گفتمان‌های جمهوری اسلامی. چالش‌های مذکور با توجه به نبودن معنایی واحد برای آن و نیز ارایه تفاسیر متفاوت از سوی دولت‌ها بنا بر سلیقه‌ها و علایق فردی و گروهی رخ داده است. این اثر پژوهشی هر چند با رویکردی فرایندی و تاریخی به دنبال کشف چالش‌های نظری عدالت بوده است؛ ولی در پایان، موفق به نتیجه‌گیری ویژه‌ای که موجب پایه‌ریزی نظریه خاصی شود، نشده است.

صفری شالی و هزارجریبی (۱۳۹۲) در مقاله «گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی» با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف به بررسی گفتمان عدالت با نشانه مرکزی کاهش فقر و محرومیت در متون لوایح برنامه‌های توسعه اول تا پنجم که توسط سه دولت هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد مصوب گردید، می‌پردازند تا با درک نشانه‌های اصلی و مفصل‌بندی‌های خاص هر گفتمان و همچنین کنکاش تأثیر عوامل غیرگفتمانی بر هر گفتمان، تمایزات رویکردی، سیاست‌گذاری و عملکردی در میان این گفتمان‌ها را کشف نمایند. این اثر پژوهشی اولاً با مبنا قرار دادن برنامه‌های توسعه (و نه اقدامات اجرایی)

دوره دولت هاشمی رفسنجانی تا احمدی‌نژاد را مورد بررسی قرار داده است و ثانياً با رویکردی توصیفی و کمی، بیشتر بر وجه اقتصادی عدالت یعنی بررسی کاهش فقر و محرومیت متمرکز بوده و در آن تحلیل چرایی و چگونگی ظهور گفتمان‌ها مورد توجه نبوده است.

منابع دیگری نیز وجود داشت که به بررسی گفتمان‌های مختلف در داخل فراگفتمان انقلاب اسلامی ایران پرداخته و به لحاظ بیان خط سیر تاریخی و فراز و نشیب وقایع و همچنین الهام فرضیه مرتبط بودند. از جمله بشیریه (۱۳۸۵) در کتاب «دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران» گفتمان‌های سیاسی عمده در تاریخ معاصر ایران را به چهار گفتمان تقسیم کرده است: پاتریمونیالیسم سنتی، مدرنیسم مطلقه پهلوی، سنت‌گرایی ایدئولوژیک که خود دو گرایش عمده یعنی گرایش کاریزمایی و پوپولیستی (۱۳۶۸-۱۳۵۸) و محافظه‌کارانه و سنتی‌تر (۱۳۷۶-۱۳۶۸) را در درون خود داشته است. نهایتاً گفتمان دموکراسی که سه بار به طور مقطعی ابتدا در جنبش انقلابی مشروطه، سپس در نهضت ملی و انقلاب سال ۱۳۵۷ و نهایتاً در جنبش جامعه مدنی در سال ۱۳۷۶ ظهور داشته است.

سلطانی (۱۳۸۷) نیز در کتاب «قدرت، گفتمان و زبان»، معتقد است گفتمان انقلاب اسلامی تحت تاثیر به وجود آمدن فضای استعاری اول انقلاب توانست عناصری از تجددگرایی را با عناصری از سنت‌گرایی حول نقطه مرکزی «امام» مفصل‌بندی کند. این فضای استعاری مدتی بعد ناپدید شد و منجر به ایجاد شقاقی میان اسلام‌گراها (بنیادگراها و رادیکال‌ها) و سکولارها (لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها) گردید و در نتیجه سکولارها حذف شدند. دور دوم غیریت‌سازی‌ها، شقاقی بین اسلام‌گرایان بنیادگرا و اسلام‌گرایان رادیکال به وجود آورد، اما این شقاق تا زمان حیان امام چندان برجسته نشد. فوت امام، پایان جنگ و آغاز بازسازی اقتصادی، شرایطی را ایجاد کرد که ابتدا راست‌سنتی به گفتمان محافظه‌کار که نقطه مرکزی آن ولایت بود، تبدیل شد و سپس چپ سنتی به گفتمان اصلاح‌طلب، حول دال مردم، تغییر شکل داد. هر چند که این اثر به صورت بسیار نیکویی توانسته به بررسی و تحلیل گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی و نحوه شکل‌گیری آنها بپردازد؛ اما به علل و زمینه‌های تحول گفتمان‌های بعد از انقلاب که مبتنی بر ارایه نظریه‌ای خاص باشد، نپرداخته است.

حسینی‌زاده (۱۳۸۶) در کتاب «اسلام سیاسی در ایران»، در پی توضیح و تبیین چگونگی تکوین و استقرار اسلام سیاسی از گفتمان مدرنیستی مشروطیت شروع می‌کند که تعارضات درونی آن موجب ظهور گفتمان پهلویسم گردید. ضدیت این گفتمان با باورهای مذهبی و استبداد دولتی موجب شد در سال‌های دهه ۴۰ کم‌کم گفتمان‌های مقاومت لیبرالیستی، مارکسیستی و

اسلامی شکل بگیرند. گفتمان اسلام سیاسی در طی بی‌قرارهایی که به انقلاب ۵۷ منجر شد با بهره‌گیری از امام، روحانیت و جنبه استعاری و عام‌گرایانه خود به پیروزی رسید. گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی کم‌کم از دنیای استعاری خود فاصله گرفته و رقیبان خود را به حاشیه راند. این گفتمان طی یک فرایند تدریجی تاریخی و در پی منازعه‌های شدید گفتمانی، منظومه گفتمانی خود را تنظیم کرده به تثبیت رسید. در این کتاب، تحولات سیاسی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به تفصیل تا دوره احمدی‌نژاد مورد بررسی قرار گرفته است. این اثر در توصیف گفتمان‌ها بسیار موفق عمل کرده ولی به زمینه‌های اجتماعی تغییر و تحول گفتمان‌ها به نحو مبسوط پرداخته است و بیشتر تحلیلی سیاسی و نه اجتماعی از تغییر گفتمان‌ها ارائه کرده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود در منابع مذکور، بررسی گفتمان‌ها چه با قید عدالت و چه در حالت کلی، جنبه ایستادگر داشته و فاقد جنبه پویانگری است. یعنی هر گفتمان به صورت موردی بررسی شده و روند تحول از یک گفتمان به گفتمان دیگر بر اساس چارچوب نظری خاصی مورد توجه قرار نگرفته است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر بررسی تحول گفتمان عدالت در دولت‌های مذکور با استفاده از چارچوب مفهومی زیر است.

۲. چارچوب مفهومی

در مسیر یافتن پاسخ به سوال مقاله مبنی بر زمینه‌های اجتماعی موثر بر تحول گفتمان عدالت در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، فرضیه این تحقیق دال بر نقش‌آفرینی دو متغیر اصلی یعنی ساختار جامعه توده‌ای ایران و ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت اجتماعی است که به قرار زیر قابل توضیح است:

در برداشتی کلی، گفتمان از دید لاکلا و موف عبارت است از تمامیتی ساخت‌مند شده که برآیند تعامل مفصل‌وار نشانه‌هاست (Laclau & Mouffe, 2001:105). به عبارتی گفتمان، مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی و غیرزبانی به هم مفصل‌بندی شده است که نظامی معنادار را می‌آفریند و هویت سوژه‌ها و ابژه‌ها را شکل می‌دهند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰). لاکلا و موف در بحث چرایی تحول گفتمان‌ها از دو عامل مهم‌تر یاد می‌کنند که عبارتند از «طرد و برجسته‌سازی» و «دسترسی». منظور از طرد و برجسته‌سازی^۱، مکانیسمی است که بر اساس آن نقاط قوت رقیب، طرد شده و نقاط ضعف آن برجسته می‌شود. به عبارت دیگر «آنها» طرد شده و «ما» برجسته می‌شود. دسترسی^۲ نیز عبارت از وجود گفتمان در عرصه اجتماعی و قابلیت

1. Exclusion and foregrounding

2. Availability

دسترسی مردم به آن است (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). در واقع این دو عامل از زمینه اجتماعی واحدی نشأت می‌گیرند که در این مقاله از آن تحت عنوان «جامعه توده‌ای^۱ ایران» نام برده می‌شود. در حالت کلی و از جنبه انتقادی دو رویکرد نسبت به جامعه توده‌ای وجود دارد: الف) از موضع محافظه‌کارانه و احترام نسبت به جامعه سنتی و نقد گرایش‌های دموکراتیک در جامعه مدرن. مثل نظریات دوتوکویل، گاست^۲ و دورکیم. ب) از موضع حمایت از دموکراسی و جامعه مدنی و نقد گرایش‌های توتالیتر در جامعه مدرن. مثل نظریات آرنست، فروم و کورن‌هاوزر^۳ (بشیریه، ۱۳۷۷: ۳۳۴). این مقاله با اتخاذ رویکرد نظری دوم، ویژگی‌های ساختار جامعه توده‌ای را در مقایسه با جامعه مدنی به شرح زیر برمی‌شمارد: وجود توده مردم به جای آحاد شهروندان؛ شباهت بارز میان افکار و عقاید توده‌ها نسبت به تفاوت‌های آنها؛ محرک توده‌ها، نه خردورزی شهروندان بلکه احساسات مقطعی است؛ نقش اساسی ایدئولوژی توده‌ای در هویت‌بخشی به افراد ذره‌گونه؛ نبود و یا ضعف نهادهای مدنی مستقل از دولت؛ خصیصه کوتاه‌مدت بودن اهداف و آرزوهای اجتماعی؛ احساس سرگستگی و انزوای افراد جامعه؛ دسترسی بی‌واسطه رهبران سیاسی به توده‌ها و نهایتاً ظرفیت بالای طرد و برجسته‌سازی و بروز تغییرات سریع و کوتاه‌مدت. البته جامعه توده‌ای و یا مدنی شامل گونه خاصی از جامعه نیست، بلکه درجه‌بندی‌های مختلفی از آنها می‌توان داشت. چنانکه جامعه توده‌ای را می‌توان به دو نوع فعال یا بسیج‌پذیر و منفعل یا بسیج‌ناپذیر (گسیخته) تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی در مورد جامعه مدنی نیز قابل اجراست (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

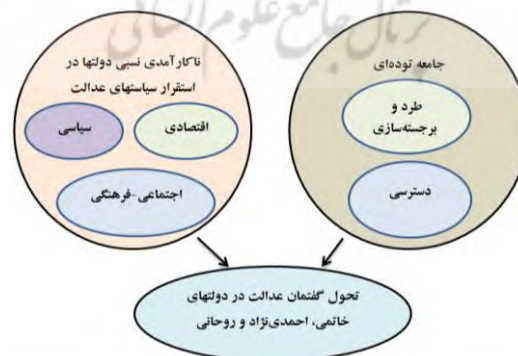
متغیر اصلی دیگر در تحول گفتمان‌ها، ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت است. منظور از کارآمدی^۴، توانایی فزاینده دولت‌ها در تأمین شرایط و خدماتی برای مشتریان (نخبگان، شهروندان، متحدان) خویش به عنوان اهدافی است که برای خود تعیین کرده‌اند و مشتریان انتظار تأمین آنها را دارند (روزنا، ۱۳۸۴: ۵۳۴). کارآمدی دارای چهار سطح نظری، ساختاری، عاملیتی و رفتاری می‌باشد (قیصری و قربانی، ۱۳۹۴). آنچه از ناکارآمدی به عنوان مفهوم مقابل کارآمدی در این مقاله مدنظر است، ناکارآمدی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت در سطح عاملیتی (کارگزاران) و خصوصاً سطح رفتاری می‌باشد که با استفاده از شاخص‌های زیر سنجیده می‌شود:

1. Mass Society
2. Alexis de Tocqueville, José Ortega y Gasset
3. Hannah Arendt, Erich Fromm, willan kornhauser
4. Effectiveness

جدول شماره (۱) شاخص‌های ناکارآمدی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت

حوزه اقتصادی	حوزه سیاسی	حوزه اجتماعی-فرهنگی
- ضعف در فقرزدایی (مثل درآمدسرانه)	- ضعف در تأسیس و فعالیت گروه‌های سیاسی و مدنی	- ضعف در رعایت حقوق شهروندی
- ضعف در تامین کالاهای اساسی	- نابرابری همه در مقابل قانون	- ضعف در تامین بهداشتی
- تورمزایی	- فرصت نابرابر در تصدی	- ضعف در خدمات مسکن
- فرصت‌های نابرابر اشتغال	- پُست‌های سیاسی	- ضعف در خدمات آموزشی
- بالابودن ضریب جینی	- ضعف مشارکت مردم در تصمیم‌گیریهای سیاسی.	- ضعف در خدمات فرهنگی و هنری (مثل وسایل ارتباط جمعی، سینما، مطبوعات).

با توجه به مطالب فوق برای تحلیل زمینه‌های اجتماعی تحول گفتمان عدالت در ایران از دو متغیر اصلی «ساختار جامعه توده‌ای» و «ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت» استفاده می‌گردد. به این صورت که در جامعه توده‌ای، گفتمان حاکم به «طرد» رقیب و «برجسته‌سازی» خود به شکل غیردموکراتیک می‌پردازد. همچنین «دسترسی» رقیب به افکار عمومی و قدرت را بسیار پرهزینه می‌سازد. از طرف دیگر گفتمان حاکم با رسیدن به قدرت دولتی نمی‌تواند از عهده پاسخگویی به تقاضای مردم از «عدالت در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی» برآید. به این ترتیب تحول مداوم در گفتمان عدالت در دولت‌ها تکرار می‌گردد.



نمودار (۱) چارچوب مفهومی تحلیل

۳. روش تحقیق

با توجه به موضوع مقاله از دو روش زیر استفاده شده است: الف) روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف: این روش در زمره تحلیل‌های کیفی و به طور کلی به مطالعه‌ای اطلاق می‌شود که زبان نوشتاری، گفتاری یا نشانه‌ای یا هرگونه پدیده نشانه‌شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۶۱). هدف این روش، کشف فرایندهای ساخت معناست. لاکلا و موف در تحلیل گفتمان از مفاهیم زیر بهره برده‌اند:

- مفصل‌بندی^۱: تلفیق عناصری است که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند.
- دال مرکزی^۲: دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنها است. مثل توسعه سیاسی در گفتمان اصلاحات.
- دال شناور^۳: دالی است که مدلول‌های متعدد و شناور دارد و گفتمان‌ها براساس نظام معنایی خود، مدلول خویش را به آن الحاق و مدلول‌های رقیب را به حاشیه می‌رانند. مثلاً دال «نظارت» که دو مدلول نظارت استطلاعی و استصوابی دارد که در رقابت گفتمانی، هر یک می‌تواند برجسته شده، دیگری را طرد کند.
- دال خالی^۴: از یک سو بازنمایی وضعیت مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در ارایه آن دارند و از سوی دیگر بیانگر قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. مثل توسعه سیاسی به عنوان دال خالی گفتمان سازندگی.
- هژمونی: اگر افکار عمومی، معنایی هرچند موقت را برای دال‌های یک گفتمان بپذیرند در آن صورت آن گفتمان، هژمونیک می‌شود (Jorgensen and Phillips, 2002:12). در این پژوهش، اسناد رسمی و متون مختلف مربوطه از جمله لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، اقدامات و فعالیت‌های اجرایی دولت‌های مذکور و... در رابطه با عدالت با استفاده از روش تحلیل گفتمان مورد تحلیل قرار گرفته و مفصل‌بندی عناصر آن بازشناسی شده است که به طور مفصل در مقاله جداگانه‌ای آمده است (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶).

ب) روش جامعه‌شناسی تاریخی قیاسی: پژوهش حاضر، موضوعی تاریخی-اجتماعی داشته و در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی قرار دارد. چرا که در پی تحلیل زمینه‌های اجتماعی تحول گفتمان

1. Articulation
2. Nodal point
3. Floating Signifier
4. Empty Signifier

عدالت در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی است. در تحلیل‌های جامعه‌شناسی تاریخی نیز دو نوع تحلیل قیاسی و استقرایی می‌توان انجام داد که به دو صورت تطبیقی و موردی قابل انجام هستند (ساعی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). در روش تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی قیاسی با استفاده از فرضیه‌های برآمده از یک الگوی نظری به تبیین علی موارد خاص پرداخته می‌شود (سام‌دلیری، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۴). در این پژوهش نیز با استفاده از متغیرهای چارچوب مفهومی پژوهش به عنوان الگوی نظری، چگونگی تحول گفتمان عدالت در هر یک از دولت‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نقش جامعه توده‌ای و ناکارآمدی دولت‌ها در تحولات گفتمان عدالت در ایران

در این بخش زمینه‌های اجتماعی تحول یا تغییر مداوم گفتمان عدالت با استفاده از چارچوب مفهومی پژوهش بر اساس دو متغیر اصلی یعنی وضعیت جامعه توده‌ای (با متغیرهای فرعی طرد و برجسته‌سازی و دسترسی) و ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت (با متغیرهای فرعی ناکارآمدی دولت در برقراری عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی) در سه دولت اخیر جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌گردد.

۱. گفتمان توسعه سیاسی دولت خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

این گفتمان، توسعه سیاسی را عاملی زمینه‌ای جهت تحقق عدالت و توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات بین همه در کشور می‌دانست و بر نابرابری مشروطی تأکید داشت که مبتنی بر فراهم نمودن شرایط جهت بهره‌مندی افراد از امکانات و فرصت‌های موجود متناسب با شایستگی‌ها بود. در برنامه سوم، اصلاح ساختار و نهادسازی، برجسته‌سازی شده و بر مبنای آن برنامه‌ریزی منطقه‌ای در راستای کاهش فقر و ایجاد عدالت مورد توجه قرار گرفت. در لایحه برنامه چهارم توسعه نیز برخلاف برنامه‌های پیشین می‌توان سازوکاری منطقی برای حل مشکل فقر به عنوان دال خالی سه برنامه توسعه پیشین مشاهده کرد؛ زیرا در این برنامه دستیابی به توسعه پایدار مدنظر قرار گرفت و از آنجا که فقر مانع رشد و توسعه کشور می‌باشد، دولت درصدد اجرای راهکارهایی اساسی در این خصوص بوده است.

۱-۱. وضعیت توده‌ای جامعه:

از آنجا که خاتمی با شعار توسعه سیاسی و جامعه مدنی به قدرت رسیده بود؛ این دوره، دوره شکوفایی نهادهای مدنی بود. تعداد انجمن‌های سیاسی از ۳۵ انجمن در سال ۱۳۷۶ به تعداد ۱۳۰ انجمن در ۱۳۸۰ افزایش یافت و تعداد سازمان‌های غیردولتی از جمله سازمان‌های زنان و جوانان و سازمان‌های زیست محیطی از مرز ۲۵۰۰ سازمان در ۱۳۸۰ تجاوز کرد (Amir Arjomand, 2009: 93).

از دیگر فضاهای مدنی، فضاهای گفت‌وگویی روشنفکری بود که هسته مرکزی نیروی سیاسی طبقه متوسط جدید را تشکیل می‌دادند و از تحولات گسترده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حمایت می‌کردند و از آبخور مکاتب فکری غرب و بعضاً ترکیب آنها با اسلام سیراب می‌شدند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۳۷). طی این دوره، محیط‌های دانشگاهی مرکز اصلی تجمعات، اعتراضات و تقابلهای بین دو جریان اصلاح‌طلب و محافظه‌کار به شمار می‌رفت. دخالت گروه‌های موسوم به انصار حزب‌الله در تجمعات دانشجویی دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه بارها به ایجاد برخورد بین آنها منجر می‌شد و این تنش‌ها به جامعه انتقال می‌یافت. اوج بحران دانشجویی در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه تهران بروز کرد. اما در مجموع هر چه به پایان دوره خاتمی نزدیک می‌شویم، فعالیت‌های دانشجویی فروکش می‌کند (دلفروز، ۱۳۹۳: ۳۵۲).

طرد و برجسته‌سازی در این دوره نمود بیشتری پیدا می‌کند. به طوری که جناح راست پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ با در اختیار داشتن نهادهای قدرت‌مندی چون شورای نگهبان، قوه قضاییه، صدا و سیما، سپاه پاسداران، کانون‌های بسیج مساجد و دیگر نهادهای تبلیغی چون ائمه جماعت و سازمان تبلیغات اسلامی، انسجام خود را بازیافت و به مقابله با طرح‌های اصلاح‌طلبان پرداخت (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۵۵). چنانکه قوه قضاییه در فروردین ۱۳۷۷ کرباسچی، شهردار تهران را که معروف بود در انتخابات از خاتمی حمایت مالی-تبلیغاتی به عمل آورده به اتهام فساد، محکوم کرد. همچنین در سال ۱۳۷۷ شورای نگهبان بیش از نیمی از نامزدهای نزدیک به جریان چپ در انتخابات مجلس خبرگان را رد صلاحیت نمود و اکثریت مجلس خبرگان در اختیار جریان راست قرار گرفت. در همین سال، قتل زنجیره‌ای تعدادی از روشنفکران اتفاق افتاد. در اول تیر ۱۳۷۷ عبدالله نوری وزیر کشور خاتمی توسط محافظه‌کاران حاکم بر مجلس پنجم به اتهام ایجاد تشنج در کشور استیضاح شد. سپس در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۸ عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به دلیل اتخاذ رویکرد لیبرال در مدیریت فرهنگی کشور مورد استیضاح قرار گرفت، ولی رای اعتماد آورد، اما چند ماه بعد، استعفا داد. در تیر ۱۳۸۷ متعاقب اعتراض دانشجویان کوی دانشگاه تهران به توقیف روزنامه سلام، حمله به کوی دانشگاه از سوی نیروی انتظامی و عناصر لباس شخصی در تهران، تبریز و چند شهر دیگر به مدت چند روز به آشوب کشیده شد. در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۷۸ به دلیل رد صلاحیت تعداد زیادی از کاندیداهای اصلاح‌طلب و سپس عدم تایید انتخابات تهران توسط شورای نگهبان، اختلافات زیادی بین آن و وزارت کشور در گرفت که در نهایت با حکم حکومتی رهبری و تایید انتخابات تهران، قضیه فیصله یافت و اکثریت قاطع مجلس به دست اصلاح‌طلبان افتاد. در اسفند ۱۳۷۸ سعید حجاریان عضو شورای شهر و استراتژیست معروف اصلاح‌طلبان مورد ترور نافرجام قرار گرفت (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۵۹-۲۵۷).

دسترسی اصلاح‌طلبان به مردم تنها از طریق مطبوعات بود. چنانکه پس از دوم خرداد، تعداد و شمارگان روزنامه‌ها و نشریه‌ها به سرعت افزایش یافت. از این رو محدود کردن مطبوعات، گفتمان اصلاح‌طلبی را از ارتباط با مردم محروم می‌کرد. شاید به همین دلیل، محدود کردن فضای مطبوعاتی کشور به یکی از خواسته‌های اصلی محافظه‌کاران تبدیل شده بود. لذا از نیمه دوم سال ۱۳۷۶ محاکمه مطبوعات متخلف در دستور کار قوه قضاییه قرار گرفت. اما در عمل، موج توقیف روزنامه‌ها با موج تاسیس روزنامه‌های جدید همراه شده بود. محمد یزدی، رییس قوه قضاییه برای جلوگیری از این امر اعلام کرد که پس از این، نویسندگان مقاله‌ها نیز از دستگیری و مجازات در امان نیستند (مجله‌کیان، ش ۴۲: ۶۸). مجلس پنجم نیز که در این زمان در اختیار محافظه‌کاران بود، وارد عمل شد و عطاالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی را مورد استیضاح قرار داد (خواجهمسروی، ۱۳۸۶: ۴۰۴). به طور کلی بهار سال ۱۳۷۹ را می‌توان خزان مطبوعات و آغاز افول گفتمان اصلاح‌طلبی در ایران دانست. در مرداد ۱۳۷۹ نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم در آخرین تلاش برای احیای آزادی مطبوعات در صدد اصلاح قانون مطبوعات برآمدند، ولی رهبری در نامه‌ای به مجلس خواستار توقف آن شد (رسایی، ۱۳۸۰: ۲۴۷).

۱-۲. میزان ناکارآمدی دولت در برقراری سیاست‌های عدالت:

حوزه اقتصادی: آغاز دوره ریاست‌جمهوری خاتمی با کاهش قیمت نفت همراه بود که باعث کاهش شدید درآمدهای نفتی و بالتبع کاهش تولید ناخالص داخلی شد، به گونه‌ای که رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ به ترتیب به ۲/۸٪، ۲/۹٪ و ۱/۶٪ رسید (پژویان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۲). ضریب جینی نیز در نواحی شهری از ۰/۳۹۶ در سال ۱۳۷۷ به رقم ۰/۴۱۵ در سال ۸۳-۱۳۸۲ رسید. در حالی که در سال ۱۳۷۷ درآمد ۱۰٪ ثروتمندترین خانواده‌ها ۱۳/۹ برابر درآمد ۱۰٪ فقیرترین خانواده‌ها بود، این رقم در ۱۳۸۱ به ۱۷ برابر و در ۱۳۸۲ به ۱۶ برابر رسید که نشان از نابرابری‌ها در این دوره دارد (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۶۴). همچنین تورم طی این دوره افزایش یافت و بر حسب شاخص مصرف‌کننده از ۱۱/۲۷٪ در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۴/۷۶٪ در سال ۱۳۸۳ رسید (Farzanegan, 2009: 10).

حوزه سیاسی: اصلاح‌طلبان در دفاع از خود و توجیه اصلاحات سیاسی و دموکراسی و همچنین در جذب بخش‌های متوسط و پایین جامعه موفق نبودند و تنها بخشی از روشنفکران، دانشگاهیان و نخبگان فرهنگی و اقتصادی به آرمان‌های اصلاح‌طلبان وفادار ماندند. حتی خاتمی در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود شاید تحت تاثیر تبلیغات و قاطعیت رقیب در بازداشت برخی از اصلاح‌طلبان فعال و تعطیلی نشریه‌ها خیلی کم از جامعه مدنی، آزادی بیان و مدارا سخن می‌گفت و نوعی دلسردی در این گفتمان رخنه کرده بود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۴۱).

از سوی دیگر بر اساس آمارهای بانک جهانی، ثبات سیاسی در این دوره روند کاهشی داشت. کارآمدی حکومت که با شاخص‌هایی چون کیفیت خدمات عمومی، کیفیت دیوان‌سالاری و میزان استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاستها و اعتبار تعهد حکومت به چنین سیاست‌هایی مشخص می‌شود از ۰/۳۰- در سال ۱۳۷۵ به رقم ۰/۶۶- در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت. شاخص حاکمیت قانون نیز که میزان اعتماد کارگزاران به قوانین جامعه و پیروی از آنها را سنجش می‌کند، در این دوره ناامید کننده بود و از ۰/۷۷- در سال ۱۳۷۵ به رقم ۰/۸۳- در پایان دولت اصلاحات رسید. تنها دو شاخص کیفیت‌های تنظیم‌گری و نظارت و شاخص کنترل فساد در این دوره، بهبودی را نشان می‌دهند (Farzanegan, 2009: 20-1).

حوزه اجتماعی-فرهنگی: بر اساس نتایج طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در ۲۸ مرکز استان در سال ۱۳۷۹ میانگین عدالت در کل و نیز بر حسب ابعاد سه گانه اقتصادی، قانونی و فرصتی (یعنی امکان پیشرفت بر اساس شایستگی فردی) کمتر از حد متوسط و منفی بود. همچنین ۷۷/۲٪ جامعه آماری معتقد بودند فاصله طبقاتی سال به سال افزایش می‌یابد؛ ۸۳/۳٪ معتقد بودند بدون داشتن واسطه، حقوق‌شان پایمال می‌شود؛ ۳۱/۱٪ معتقد بودند از طریق قانون نمی‌توان به حقوق خود دست یافت؛ ۵۲/۳٪ معتقد بودند در استخدام‌های دولتی، شایستگی و کردانی اهمیت‌ی ندارد؛ ۵۵/۵٪ معتقد بودند قانون در مورد صاحبان قدرت و مسئولان اجرا نمی‌شود؛ ۸۴/۶٪ معتقد بودند افراد فقیر به‌رغم کردانی و شایستگی پیشرفت نمی‌کنند و ۵۰/۴٪ معتقد بودند حکومت رفتار یکسانی با همه مردم ندارد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

بنابراین در این دوره با شکاف میان کردارهای عمومی و ایدئولوژی رسمی، جامعه مدنی فعال شکل گرفت؛ اما به تدریج به سوی جامعه مدنی منفعل منتهی شد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از سوی دیگر در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، کارآمدی چشمگیری که موجب رضایت اجتماعی گردد، حاصل نشد. لذا اوضاع مذکور موجب شد در انتخابات شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۸۱ گروه آبادگران توانستند با پرهیز از شعارهای سیاسی و تاکید بر خدمت به مردم و رفع مشکل‌های اقتصادی، کنترل شورای شهر تهران و برخی از شهرستان‌های بزرگ را به دست گیرند و توده‌های بزرگ رها شده از گفتمان اصلاح‌طلبی را جذب کنند. مهم‌ترین ویژگی این گفتمان به نمایندگی احمدی‌نژاد، ساده سخن گفتن و ساده زیستن بود که باعث شد مردم او را از خود بدانند و بر رقیبانی که پیچیده سخن گفته و زیبا زندگی می‌کردند، ترجیح دهند. برای مثال آنها به جای مردم‌سالاری از «مهرورزی با مردم» سخن می‌گفتند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۴۵ و ۴۴۴).

۲. گفتمان حمایت از فرودستان دولت احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

مفهوم بازنمایی شده از عدالت در این گفتمان به معنای توزیع فرصت‌ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد و مناطق کشور با محوریت افراد و مناطق فرودست بود، به گونه‌ای که همه جای کشور باهم و هماهنگ پیشرفت کنند. این گفتمان مدلول‌های عدالت را در سیاست‌هایی چون ایجاد مسکن ارزان قیمت برای افراد بدون مسکن (مسکن مهر)، بهره‌مندی افراد کشور از سود حاصل از تولیدات داخلی (سهام عدالت)، تغییر الگوی پرداخت یارانه‌ها به سمت افراد نیازمند (هدفمندی یارانه‌ها)، دسترسی دولت برای تمامی نواحی به ویژه نواحی دورافتاده سفرهای استانی، ادغام شوراهای عالی به منظور کاستن از بوروکراسی زاید اداری، انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با توجه انطباق بیشتر برنامه‌ها با نیازهای استانی و تغییر شیوه بودجه‌نویسی و تخصیص بودجه یافت. عدالت این دوره تلفیقی از رویکردهای پوپولیستی و نئوکلاسیک بود. وجه نئوکلاسیک را می‌توان در نوع اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها و وجه پوپولیستی را در پرداخت یارانه‌های نقدی یافت (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۱ و ۴۷).

۲-۱. وضعیت توده‌ای جامعه:

در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴، احمدی‌نژاد با انجام وعده‌های آغازین انقلاب به پیروزی دست یافت. وی خود را مدافع مستضعفین و همچنین اصول‌گرا و آبادگرا نامید و افزایش حقوق و دستمزدها به ویژه برای آموزگاران و کارمندان دولت، کاهش فقر، مقابله با بیکاری و کمبود مسکن، دادن وام به زوج‌های جوان، عدالت برای توده‌ها به ویژه جبهه‌رفتگان و از همه قاطعانه‌تر از میان بردن فساد که از نظر بسیاری بدنه سازمان سیاسی کشور را در معرض خطر قرار داده بود، وعده داد. وی مدعی شد که سرمایه‌داران جدید و همچنین بازماندگان «هزار فامیل» توده‌های مردم را غارت کرده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۷ و ۳۳۶).

احمدی‌نژاد با ویژگی‌های شخصیتی که داشت باعث جذب توده‌ها به سوی خود می‌شد. ساده‌زیستی وی که در پوشش، ماشین، خانه، چهره و رفتار وی متجلی می‌کرد، باعث می‌شد مردم وی را فردی از جنس خود بدانند که حرف دل آنها را می‌زند. وی به عنوان نماینده فقرا منتقد شرایط موجود بود و در مقابل، هاشمی رفسنجانی به عنوان فردی مطرح می‌گردید که خواهان حفظ شرایط موجود بود (کسرابی و سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

این گفتمان، برخورد امنیتی با نهادهای مدنی را اتخاذ نمود. برای مثال در این دوره در سال ۱۳۸۵ تعدادی از فعالان تجمع اعتراضی کمپین یک میلیون امضا که برای تغییر قوانین به نفع زنان تلاش می‌کرد، توسط پلیس دستگیر و زندانی شدند. در همین سال رامین جهانگل و کیان

تاجبخش و هاله اسفندیاری به اتهام زمینه‌سازی برای براندازی نرم از طریق تشکل‌های مدنی، محکوم و زندانی شدند. در بهمن و اسفند ۱۳۸۶ تعداد زیادی از معلمان در یک تحصن برای اعتراض به پایین بودن حقوق‌شان در تهران و چند شهر دیگر دستگیر شدند. طی سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ مرکز دفاع از حقوق بشر به ریاست شیرین عبادی به اتهام تبلیغ علیه نظام بسته شد و برخی از حقوق‌دانان چون عبدالفتاح سلطانی دستگیر شدند. اوج برخوردهای امنیتی با نهادهای مدنی پس از انتخابات ۱۳۸۸ و آشوب‌های متعاقب آن بود که بر اساس آن حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی لغو مجوز شدند؛ انجمن روزنامه‌نگارن ایران نیز با بیش از ۳۷۰۰ عضو توسط دادستان تهران تعطیل شد (دلفروز، ۱۳۹۳: ۳۵۳).

شخص احمدی‌نژاد در طرد رقیبان و برجسته‌سازی خود از توانایی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. چنانکه وی در انتخابات ۱۳۸۴ به توسعه سیاسی و اقتصادی که دال‌های مرکزی گفتمان اصلاحات و سازندگی هستند، حمله می‌کند و آن‌ها را توسعه وارداتی می‌داند. تقدم عدالت بر رشد و توسعه اقتصادی، گزاره کلیدی گفتمان عدالت‌محور است. به این ترتیب وی با برجسته ساختن نقاط ضعف دو حریف خود، آنها را به حاشیه رانده و عدالت را به عنوان گزاره کلیدی و نقطه قوت گفتمان خود برجسته می‌سازد (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۷۲ و ۷۱). احمدی‌نژاد در مناظره‌های تلویزیونی و تبلیغاتی منحصر به فرد خود نیز سیر طبیعی مناظره‌ها را دستخوش تحول قرار داد. چنانکه وی در دومین فیلم تبلیغاتی‌اش در انتخابات سال ۱۳۸۸ در کنار باغچه داخل خانه‌اش، علف‌های هرز (تصاویر علف هرز با ریحان) را از ریشه می‌کند و می‌گوید: «علف هرز خیلی وقت‌ها خودشو شبیه سبزی واقعی می‌کنه». تحلیل گفتمان و رمزگان معنایی علف هرز به از بین بردن فساد و قطع ریشه‌ای آن اشاره دارد (بشیر و طاهری، ۱۳۹۴: ۵۲ و ۳۶). به خاطر شدت فرایند طرد و برجسته‌سازی که در دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۸ رخ داد؛ بیشترین میزان مشارکت انتخاباتی نیز در این انتخابات یعنی به میزان ۸۵٪ اتفاق افتاد.

دسترسی به مردم در این دوره منحصر به مطبوعات نبود، بلکه اینترنت و فضاهای عمومی مجازی نیز ایجاد شده بودند که امکان طرح و انتشار آزادانه اطلاعات و نظرات را فراهم می‌کردند. در واقع سازمان‌های مختلف جامعه مدنی در صورتی که غیرقانونی اعلام می‌شدند به راحتی می‌توانستند از طریق تاسیس سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌ها که بسیاری از آنها از خارج از کشور مدیریت می‌شدند به طرح دیدگاه‌های خود بپردازند. نقش اینترنت به ویژه پس از انتخابات ۱۳۸۸ برجسته شد به طوری که بخش زیادی از اعتراضات از طریق سایت‌های اینترنتی سازماندهی می‌شد (دلفروز، ۱۳۹۳: ۳۵۴).

۲-۲. میزان ناکارآمدی دولت در برقراری سیاست‌های عدالت

حوزه اقتصادی: در سال ۱۳۸۳ خط فقر ماهانه هر نفر ۹۱ هزار تومان بود. براساس آمارها، خط فقر ماهانه به ازای هر نفر به ۷۱۴ هزار تومان در سال ۹۲ رسید. همچنین بهای دلار در هشت سال دولت احمدی‌نژاد ۳/۵ برابر شد و هر قطعه سکه بهار آزادی در ابتدای ریاست‌جمهوری دور نخست احمدی‌نژاد، ۹۶ هزار تومان بود، ولی سال ۱۳۹۲ به بالاتر از ۱،۱۰۰،۰۰۰ تومان رسید که افزایشی قریب به ۱۳ برابر را نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۷). همچنین در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تورم از ۱۰/۴٪ به رقم ۳۴/۷٪ و رشد اقتصادی کشور با احتساب نفت از ۶/۳ به رشد ۱/۹- رسید. اما ضریب جینی به واسطه اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و توزیع یارانه نقدی وضعیت نسبتاً بهتری داشته است، به گونه‌ای که این رقم از ۰/۴۰۲۳ در سال ۱۳۸۴ به رقم ۰/۳۹۴۴ در سال ۱۳۹۲ کاهش یافت. متوسط ضریب جینی در این دوره ۰/۳۹۱۹ بوده است (سامانه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی ج.ا.ا.).

در این دوره با وجود برنامه‌هایی در راه عدالت‌گستری به نفع فرودستان، فسادهای اقتصادی کلان و به تبع آن بی‌عدالتی‌هایی در تاریخ اقتصادی ایران رخ داد که می‌توان به مواردی چون گم‌شدن دکل نفتی ۸۰ میلیون دلاری، اختلاس بابک زنجانی، پرونده سازمان تامین اجتماعی سعید مرتضوی، اختلاس مه‌آفرید امیرخسروی، پرونده بیمه ایران مربوط به محمدرضا رحیمی اشاره کرد (سایت خبرآنلاین، ۱۳۹۳/۱۲/۹؛ سایت شفاف، ۱۳۹۳/۱۱/۲۶؛ روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۲/۱۱). چنانکه بر اساس اطلاعات مؤسسه شفافیت بین‌المللی رتبه ایران در سال ۲۰۰۵ (۸۳-۱۳۸۴) به لحاظ شفافیت مالی در رتبه ۸۸ و در سال ۲۰۱۳ (۹۱-۱۳۹۲) به رتبه ۱۴۴ در میان ۱۷۷ کشور مورد بررسی رسید.

سیاست‌های ناکارآمد دولت احمدی‌نژاد و وضعیت نامناسب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور به حدی رسید که شعارها و برنامه‌های تبلیغاتی سه نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ بر اعتراض به آنها مبتنی شد. از سوی دیگر وضعیت وخیم اقتصادی موجب شد اقتصاددانان طی نامه‌های متعددی (نامه پنجاه اقتصاددان در خرداد ۱۳۸۵، نامه پنجاه و هفت اقتصاددان در تیر ۱۳۸۶، نامه شصت اقتصاددان در آبان ۱۳۸۷) به رئیس‌جمهور، مشوش کردن فضای سرمایه‌گذاری و کسب و کار، سیاست‌های تورمزای انبساطی پولی و مالی، وضعیت نابسامان نظام بانکی، مداخله بی‌رویه در بازار کار و سیاست‌های نادرست منطقه‌ای و جهانی دولت و... را به چالش کشیده و خواستار تصحیح روند مذکور شدند (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۲۹-۲۲۸).

حوزه سیاسی: بررسی روند سیاسی ایران در سال ۱۳۸۸ حاکی از حضور توده‌وار نیروهای اجتماعی مختلف با علایق متنوع بوده که خود هم زمینه کشمکش بین نیروهای اجتماعی و هم

تقابل با ساختار سیاسی را ایجاد کرد. بدون شک عواملی چون بازدارندگی‌های جدی قانونی و شبه‌قانونی ساختاری بر سر گردش نخبگان، بدکارکردی قوای سه‌گانه و ناکارکردی واقعی دستگاه نظارتی و بی‌طرف نبودن برخی نهادهای ناظر، داور و مجری و مخدوش شدن مسئولیتها و کارکردها، عدم پاسخگویی شفاف نهادهای مسئول، رویکرد مضیق نسبت به حقوق ملت و رویکرد موسع نسبت به حقوق دولت، همه نشان از توده‌وار بودن جامعه دارد که بر منازعه سیاسی پس از انتخابات تأثیرگذار بوده است (نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

در جنبه سیاست خارجی نیز این گفتمان برخلاف گفتمان اصلاح‌طلبی در صدد برجسته‌سازی موضوع هسته‌ای برآمد. افزایش تنش بر سر موضوع هسته‌ای میان ایران و غرب منجر به اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی غرب بر ایران شد. افزایش تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد گفتمان‌های رقیب اصول‌گرایی، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ را فرصت مناسبی برای به حاشیه راندن گفتمان هسته‌ای اصول‌گرایان قلمداد کنند (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۵).

حوزه اجتماعی-فرهنگی: سهمیه‌بندی جنسیتی در کنار جریان حذف جنسیتی به عنوان دو بازوی اصلی سیاست‌های تبعیض جنسی در سال ۱۳۹۱ به اوج خود رسید. ۳۶ دانشگاه کشور، دختران را در ۷۷ رشته تحصیلی نپذیرفتند. البته در سال ۱۳۹۲ به علل گوناگون از جمله اعتراضات دانشجویی و باز شدن اجتناب‌ناپذیر فضای عمومی جامعه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، حذف سهمیه دختران نزول ۳۷٪ داشت (موسسه رخداده، تازه، ۱۳۹۳/۶/۶).

این گفتمان در لایحه برنامه پنجم توسعه نیز با تأکید بر تحکیم نهاد خانواده برای زنان عمدتاً جایگاه همسری و مادری را تعریف کرده و بر حضور بانوان در خانه تأکید می‌کند تا جایی که برای تحقق آن، کاهش ساعت کاری زنان را مطرح نمود تا به این ترتیب حضور بانوان را در جمع خانواده پُررنگ‌تر نماید. همچنین دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرای «طرح جامع عفاف و حجاب» و متناسب‌سازی محیط خدمتی با اقتضائات جامعه اسلامی می‌کند و بر این اساس، اشتغال خانگی و دورکاری زنان را به عنوان برنامه‌هایی در جهت حفظ بنیان خانواده و اخلاق در جامعه و همچنین، رقیب الگوی اشتغال تمام وقت معرفی می‌کند (کریمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۴).

حمایت از اقشار فرودست و مناطق پیرامونی موجب شد که دولت احمدی‌نژاد بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ منابع اقتصادی قابل توجهی را به پیرامون تخصیص داد. این پیرامون‌گرایی اقتصادی به تدریج پایگاه اجتماعی و انتخاباتی پیرامونی برای همین دولت ایجاد کرد. نشانه‌های

وجود چنین پایگاهی را می‌توان به وضوح در حمایت قابل توجه پیرامون از احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۱۳۸۸ دید (خاتمی و کلاته، ۱۳۹۳: ۲۷).

بنابراین در این دوره، جامعه توده‌ای منفعل همراه با آنومی اجتماعی پدید آمد و مشارکت نیز صرفاً در نوع مشارکت نفوذی گروه‌های فشار خلاصه می‌شد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از سوی دیگر وضعیت وخیم اقتصادی، فضای بسته سیاسی خصوصاً جریانات سال ۱۳۸۸، تقابل با غرب در سیاست خارجی، پرونده هسته‌ای و فضای فرهنگی از نوع دهه ۶۰ موجب شد که در یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ حسن روحانی با استفاده از قدرت سخنوری، حمایت معنوی شخصیت‌های مرجع سیاسی (چون هاشمی رفسنجانی)، همراهی برخی‌ها از جریان وابسته به اصولگرایان سنتی و میانه‌رو از گفتمان اعتدال و اجماع در میان جریان‌های سیاسی حامی گفتمان اعتدال بر رقیبان خود پیروز شود (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

۳. گفتمان اعتدال و توسعه دولت روحانی (تابستان ۱۳۹۶-۱۳۹۲)

این گفتمان بر تعریف نئولیبرالی خصوصاً با رویکرد نهادگرایانه و نئوکینزی از عدالت استوار است. به این معنی که کار دولت را نه اجرای پروژه‌ها و یا تقسیم اعتبارات و یا خصوصی‌سازی بلکه آماده ساختن و بهبود بخشیدن محیط کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی برای رونق تولید در بخش صنعت و کشاورزی و خدمات می‌داند. این گفتمان همچون دو دولت سازندگی و اصلاحات، گفتمانی مبتنی بر دولتی توسعه‌گراست که توسعه را در چارچوب مکتب نوسازی تعریف کرده است و بر همین مبنا سعی دارد توسعه اقتصادی را با بهبود روابط با دنیای خارج خصوصاً دنیای غرب میسر سازد. بنابراین تعامل با کشورهای توسعه‌یافته که دال خالی گفتمان دولت قبلی محسوب می‌شد در مفصل‌بندی این گفتمان به دال اصلی تبدیل شده است. لذا دولت روحانی، رشد و توسعه اقتصادی و گشایش در آن را منوط به حل مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی یعنی پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌ها نمود.

۳-۱. وضعیت جامعه توده‌ای:

به نظر جلالی‌پور وضعیت جامعه ایران در این دوره، وضعیتی است که توانسته از جامعه توده‌ای فاصله بیشتری بگیرد و جریان اصلاحات سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد. وی آن را به دو بخش تقسیم‌بندی می‌کند: الف) بخش سازمان یافته: چون نمایندگان شاخص اصلاح‌طلبان در مجلس، احزاب سیاسی اصلاح‌طلب، تاثیرگذاران در شبکه‌های اجتماعی و فضای آنلاین، روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب، تشکل‌های دانشجویی. ب) وجه پوششی و جنبشی: عده زیادی از مردم که به اصلاحات علاقه‌مندند ولی در تشکل‌های اصلاح‌طلبی سازماندهی نشده‌اند، به دلیل علاقه‌شان

در فرصت‌های ممکن به دعوت اصلاح‌طلبان پاسخ می‌دهند. مثل تجمع‌های پیش‌انتخاباتی و پسانتخاباتی در سال ۱۳۸۸ یا گردهمایی بزرگ مردم در تشییع هاشمی رفسنجانی در ۲۱ دی ۱۳۹۵ یا اجتماعات انتخاباتی کم‌نظیر در انتخابات ۱۳۹۶. لذا نوعی مردم‌گرایی دموکراتیک در این حرکت‌های پویشی قابل ردگیری است (@hamidrezajalaeipour).

به نظر وی در دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری با وجود اینکه اصولگرایان به شیوه‌هایی چون یارانه ۲۵۰ هزار تومانی، دادن کارانه به میلیون‌ها نفر بیکار، ۲/۵ برابر کردن ثروت کشور و دادن سند مالکیت خانه به شانزده میلیون حاشیه‌نشین و دیدار با تتلو برای جذب چهار میلیون فالوور او توسل جستند؛ اما اکثریت مردم به این چنین رویکردی پاسخ منفی دادند. لذا وقوع این پدیده در شرایط بحران اقتصادی، رشد فرهنگ سیاسی دموکراتیک در ایران را نشان می‌دهد (جلائی‌پور، مقاله ارایه شده به نشست مشاوران خاتمی).

در زمینه طرد و برجسته‌سازی نیز باید گفت که این گفتمان در یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ استراتژی‌هایی چون ماجراجویی و درشت‌گویی در موضوع هسته‌ای؛ درک ناقص گفتمان رقیب از واقعیت‌های جهان و بی‌توجهی به الزامات کنش در عرصه بین‌المللی و تأکید بر سود بردن برخی افراد از تحریم‌ها به بهانه مقاومت بر سر موضوع هسته‌ای در مقابل آمریکا را طرد کرد. همچنین در متون و گفتارهای متعدد با تأکید بر موضوعات رتوریک (فن سخن‌وری) چون خارج کردن کشور از انزوای بین‌المللی از طریق تعامل سازنده و رفع تحریم‌های بین‌المللی و بهبود زندگی مردم از طریق شکستن ساختار تحریم‌ها به واسطه تعامل سازنده را برجسته نمود (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۱۵ و ۱۱۴).

در دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۶ نیز حسن روحانی توانست در مقابل رقیب اصول‌گرای خود، ابراهیم رئیسی، ۵۷/۱۴٪ آراء را کسب کند. اما همین پیروزی موجب واکنش‌های طردآمیز از سوی رقیب گردید. چراکه برخی از آنان با مستمسک قرار دادن سخن رهبری در ۱۷ خرداد خطاب به گروهی از دانشجویان مبنی بر اینکه «هر کجا فرماندهی مرکزی دچار اختلال شد، شما آتش به اختیار هستید» به اقدامات تنش‌آفرین دست یازیدند. چنانکه در راهپیمایی روز قدس در دوم تیر ۹۶ تعدادی از تندروهای خودسر علیه رئیس‌جمهور، معاون اول وی و علی‌مطهری، نایب رئیس مجلس شعارهای اهانت‌آمیز دادند. در واکنش به آن، فراکسیون امید در بیانیه‌ای حمله به روحانی را «انتقام‌گیری از رای مردم» در انتخابات ریاست‌جمهوری توصیف کرد. همچنین در شبکه اجتماعی توئیتر در حمایت از روحانی هشتگ «#حامی روحانی‌ام» راه افتاد. در ادامه، یک مداح با خواندن اشعار سیاسی جنجالی قبل از برگزاری نماز عید فطر در

تهران به هجو رئیس‌جمهور و برجام پرداخت. همچنین در ۲۵ تیر ۹۶ حسین فریدون برادر رییس‌جمهور به اتهام مسایل مالی توسط قوه قضاییه بازداشت و سپس با قرار وثیقه آزاد شد.

دسترسی این گفتمان به بدنه اجتماعی در یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ از طریق سخنرانی‌ها و مناظرات انتخاباتی حسن روحانی و همچنین جریان‌های سیاسی، شخصیت‌های مرجع سیاسی، روشنفکران و دانشجویان، حمایت جمع زیادی از هنرمندان بود. از دیگر راه‌های دسترسی به مردم استفاده از نمادسازی (کلید)، برگزیدن رنگ بنفش و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بود (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). دادن رای لیستی به نمایندگان مجلس و خبرگان در ۱۸ اسفند ۱۳۹۴ در تهران از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی چون توئیتر و تلگرام بود (سبزه‌ای، ۱۳۹۴: ۶۹). در دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۶ نیز شیوه‌های نوینی برای دسترسی به اخبار و اطلاعات بکارگیری شد. چنانکه اینستا لایو «روحانی ۹۶»، کانال «امتداد»، کانال «برای ایران» به رسانه‌هایی تاثیرگذار و شبانه‌روزی، تعادل بخش و خنثی کننده نبرد سایبری تبدیل شدند و همچنین طرح‌های «هزار میدان»، «یک میلیون زنگ و یک میلیون رای»، «گفتگو در خیابان» قابل توجه بود. این امکانات و تولیداتی که بیشتر مردمی و بدون استفاده از امکانات دولتی تهیه می‌شد، انحصار تبلیغاتی صدا و سیما را خنثی کردند (جلائی‌پور، مقاله ارایه شده به نشست مشاوران خاتمی).

۲-۳. میزان ناکارآمدی دولت در برقراری سیاست‌های عدالت:

حوزه اقتصادی: دولت یازدهم همچنان به پرداخت یارانه نقدی دولت قبلی ادامه داد و راهبرد مشخصی نیز برای بهبود توزیع درآمد اتخاذ نگردید. طرح مسکن اجتماعی به سرانجامی نرسید. در ضمن طرح‌هایی همچون ارایه کارت اعتباری و تسهیلات ده میلیون تومانی و تسهیلات خودرو چندان موفقیت‌آمیز نبودند. اگرچه دولت توانست از طریق ثبات اقتصادی و سیاسی، رشد اقتصادی را افزایش دهد، اما همچنان نتوانست اقتصاد ایران را از رکود خارج کند. در ضمن افزایش مجدد صادرات نفت و رسیدن به حدود ۲/۵ میلیون بشکه عامل اصلی افزایش رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵ بود. انفعال دولت در اتخاذ راهبردهای مشخص برای ایجاد اشتغال به ویژه اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و عدم ارایه تصویر روشن از افزایش اشتغال از طریق توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط بود (نبوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۲-۲۲۹).

حوزه سیاسی: روحانی از ابتدای ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ آزادی زندانیان سیاسی از جمله رفع حصر سران جنبش سبز را وعده داد. اما بعد از مدتها در بهمن ۱۳۹۴ اندک زمانی بعد از رفع تحریم‌ها، سخنگوی دولت در پاسخ به سوالی پیرامون رفع حصر

گفت: «به اندازه وسع خود موضوعات را پیگیری کرده‌ایم و حتی در پاره‌ای موارد بیش از وسع خود پیگیر بوده‌ایم، ولی ما تصمیم‌گیر نهایی در این زمینه نیستیم» (ایرنا، ۱۳۹۴/۱۱/۶). از دیگر موضوعات ناکارآمدساز این گفتمان، نقض برجام است. چنانکه با انتخاب دونالد ترامپ در ۱۸ آبان ۱۳۹۵ به ریاست‌جمهوری آمریکا، ابهاماتی در مورد آینده برجام بروز کرد. در پی اهمال، تعلل و نقض برجام توسط آمریکا و پیرو تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و هیات نظارت بر برجام، رییس‌جمهور به صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی، دستور پژوهش درباره ساخت پیشران‌های هسته‌ای دریایی و تهیه سوخت برای آن‌ها را داد. همزمان در دستوری دیگر به ظریف، وزیر امور خارجه، پیگیری راه‌های پیش‌بینی‌شده در برجام برای رسیدگی به موارد نقض را خواستار شد (ایسنا، ۱۳۹۵/۹/۲۳). نقض برجام موجب شده تا مخالفان داخلی به نقد، تخریب و هجو برجام در افکار عمومی پرداخته و آن را اقدامی بیهوده بخوانند.

بنابراین گفتمان اعتدال و توسعه هر چند توانست با یاری نیروها و سازمان‌های جامعه مدنی موفقیت‌های چشمگیری در دهمین انتخابات مجلس، پنجمین انتخابات شوراهای شهر و روستا و دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در اردیبهشت ۱۳۹۶ به دست آورد، اما به تدریج احساس می‌شود که کارآمدی این گفتمان در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی چون رفع حصر، جلوگیری از نقض برجام به عنوان مهم‌ترین دستاورد این گفتمان در حوزه سیاسی و رفع مشکل بیکاری و رکود در حوزه اقتصادی، محل تردید است و همین امر به انفعال جامعه مدنی و افول گفتمان حاضر خواهد انجامید.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، تحلیل زمینه‌های اجتماعی تحول گفتمان عدالت در سه دولت اخیر جمهوری اسلامی ایران بود. به این منظور فرضیه‌ای طرح گردید که حاوی دو متغیر اصلی یعنی ساختار جامعه توده‌ای و ناکارآمدی دولت‌ها در استقرار سیاست‌های عدالت بود. نتایج حاصل از بررسی و تحلیل دو متغیر مذکور را چنین می‌توان بیان نمود:

بررسی گفتمان‌های مذکور نشان می‌دهد که هر گفتمانی به شدت از جامعه و بدنه اجتماعی متأثر بوده است و به عبارتی با تحول نوع جامعه (توده‌ای یا مدنی) تحول گفتمان‌ها نیز رخ داده است. چنانکه برآورده نشدن مطالبات سیاسی در دولت هاشمی رفسنجانی موجب شکل‌گیری جامعه مدنی فعالی شد که موجب روی کار آمدن گفتمان اصلاحات سیاسی شد. ناامیدی از موفقیت در اصلاحات سیاسی موجب تبدیل جامعه مدنی فعال به جامعه مدنی منفعلی شد که صرفاً به اصلاحات اقتصادی گفتمان حمایت از فرودستان دل بست. اعمال تحریم‌های خارجی

بی‌سابقه و فسادهای اقتصادی موجب فعال شدن جامعه مدنی و روی کار آمدن گفتمان اعتدال و توسعه گردید. لذا نتیجه کلی اینکه از یک طرف جامعه توده‌ای فعال به نوعی در جامعه ایران از بین رفته است و دلیل عمده این امر را می‌توان در دسترسی بسیار آسانتر، سریع‌تر، متنوع‌تر و شفاف‌تر مردم به اخبار و اطلاعات خصوصا از طریق رسانه‌های الکترونیکی چون اینترنت، تلگرام و شبکه‌های اجتماعی مجازی دانست. اما از طرف دیگر، جامعه مدنی فعال که بتواند دارای نهادها و سازمانهای خودجوش، مردمی و پایدار باشد، امکان رشد پیدا نکرده است. لذا جامعه در وضعیت جامعه مدنی منفعل گرفتار شده است.

در زمینه ناکارآمدی دولت‌ها نیز می‌توان چنین نتیجه گرفت که به غیر از گفتمان اصلاحات دولت خاتمی که دغدغه اصلاحات سیاسی و کارآمد نمودن نظام سیاسی را داشت، دو گفتمان دیگر، توجه‌شان بیشتر معطوف به کارآمد کردن حوزه اقتصادی بوده است. اما همه این گفتمان‌ها با مشکلاتی مواجه شده و قادر به انجام کارآمدی چشمگیر اقتصادی نشده‌اند. چنانکه دولت خاتمی با تعدیل کردن سیاست‌های لیبرالی دولت هاشمی رفسنجانی، دولت احمدی‌نژاد نیز با درگیر کردن خود به تحریم‌های بی‌سابقه خارجی و همچنین سر برآوردن فسادها و اختلاسهای اقتصادی و نهایتاً دولت روحانی با تبعات تحریم‌های دولت قبل و نقض برجام روبروست. لذا هیچ یک از دولت‌های مذکور نتوانسته‌اند، تحول و کارآمدی چشمگیری در حوزه اقتصادی از خود نشان دهند. لذا همین ناکارآمدی نسبی در حوزه‌های اقتصادی که بیشتر ناشی از ناکارآمدی سیاسی است، بالطبع ناکارآمدی حوزه اجتماعی-فرهنگی را نیز به وجود آورده است. بر این اساس، بدنه اجتماعی در هر زمان، خواهان تغییر گفتمان حاکم و متقاضی گفتمان کارآمدتر آتی به جای آن بوده است.

منابع

الف) منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). *گفتمان عدالت در دولت نهم*. معرفت سیاسی. (۲)۱، ۲۴۳-۱۹۵.
- آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- بشیر، حسن؛ و سیدحمید، طاهری (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان فیلم‌های تبلیغاتی نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۴(۱۳)، ۶۳-۳۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر. *فصلنامه رفاہ اجتماعی*. ۴(۱)، ۱۵۳-۱۳۷.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷). *گزار به مردم‌سالاری*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴). *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*. مترجم: علی اردستانی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهرزولک، غلامرضا و ضابط‌پورکاری؛ غلامرضا (۱۳۹۱). چالش‌های نظری عدالت در دولتهای جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علوم سیاسی*. ۱۵ (۵۷)، ۱۴۸-۱۰۳.
- پژویان، جمشید؛ رضا، طالبلو؛ نیره‌سادات، قریشی؛ و کتابون، جلالیان (۱۳۸۷). *مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های بعد از انقلاب*. راهبرد. ۱۵، ۱۲۲-۱۸۰.
- جلائی‌پور، حمیدرضا؛ و مجید، فولادیان (۱۳۸۷). *شرایط شکل‌گیری یا افول رهبری کاریزمایی؛ دوره خاتمی ۱۳۸۴-۱۳۷۶*. پژوهشنامه علوم سیاسی. ۳(۴)، ۳۸-۷.
- حاتمی، عباس (۱۳۸۹). الگوی آونگی: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۱۳(۲)، ۳۱-۵.
- حاتمی، عباس؛ و فرزاد، کلاته (۱۳۹۳). دولت در پیرامون و پیرامون در دولت. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۷(۱)، ۷-۳۵.
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: نشر دانشگاه مفید.
- خواجeh‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۶). فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه دانش سیاسی*. ۳(۶)، ۳۵-۵.
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). *دولت و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا*. تهران: نشر آگاه.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ و مهدی، عطایی (۱۳۹۳). گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۱۷(۱)، ۶۳.
- رحیمی، علیرضا؛ و محمود، کتابی (۱۳۹۳). گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. ۱۷(۴).
- رسایی، حمید (۱۳۸۰). *پایان داستان غم‌نگیز*. دفتر ۱ و ۲. تهران: نشر کیهان.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴). *آشوب در سیاست جهان*. مترجم: علیرضا طیب. تهران: روزنه.

- ساعی، علی (۱۳۸۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*. تهران: نشر سمت.
- سام‌دلیری، کاظم (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی تاریخی؛ چگونگی ترکیب جامعه‌شناسی و تاریخ در یک کالبد. *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*. ۲۰ (۷۹)، ۷۹-۱۰۷.
- سبزه‌ای، محمدتقی (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناسی حوزه عمومی در ایران پس از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۹۴). *فصلنامه علوم اجتماعی*. ۲۵ (۷۱)، ۴۸-۸۹.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- صفری شالی، رضا؛ و جعفر، هزارجریبی (۱۳۹۲). گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. ۶ (۴۴)، ۱-۴۴.
- قریشی، فردین؛ محمدباقر، علیزاده‌آقدم؛ و رحیم، زابرحبه (۱۳۹۶). تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز*. ۶ (۲)، ۱۸۰-۱۴۳.
- قیصری، نورالله؛ و مصطفی، قربانی (۱۳۹۴). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران: مدلی برای سنجش و ارزیابی. *دوفصلنامه دانش سیاسی*. ۱۱ (۲)، ۱۴۸-۱۲۹.
- کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. ۴ (۱۳)، ۱-۱۳.
- کریمی، مصطفی (۱۳۹۵). سیاست‌های رفاهی و اقتصادی از بازرگان تا روحانی: دولت‌ها و رفاه. *ماهنامه جامعه پویا*. ۸ (۲)، ۱۷-۱۲.
- کسرابی، محمدسالار؛ و بنت‌الهدا، سعیدی (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم انقلاب با تأکید بر سال‌های ۸۴-۱۳۸۰. *فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی*. ۸ (۲)، ۱۶۹-۱۲۹.
- نبوی، مرتضی؛ وحید، شقاقی؛ و داود، دانش‌جعفری (۱۳۹۵). *جریان‌شناسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی (اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد اسلامی)*. تهران: نور علم.
- نوذری، حمزه؛ و علیرضا، کریمی (۱۳۹۱). بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان. *مطالعات جامعه‌شناختی*. ۱۹ (۱)، ۷۸-۵۷.
- نیاکوئی، امیر (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران (انتخابات ۱۳۸۸). *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۱۰ (۱)، ۲۳۰-۱۹۹.

(ب) منابع انگلیسی

- Amir Arjomand, Said (2009). *After Khomeini: Iran Under His Successors*. Oxford: Oxford University Press.
- Farzanegan, Mohammad Reza (2009). *Macroeconomic of Populism in Iran*. Munich: Personal RePEc Archive (MARA).no3.
- Jorgensen, M and Phillips, L (2002). *Discourse Analysis As Theory and Method*. London: Sage publication.
- Laclau, Ernesto and Chantal Mouffe (2001). *Hegemony and Socialist Strategy*, London: Verso.